



فرهنگی وابسته به آمریکا در ایران حتی عملکرد محمدرضا پهلوی را نیز در تاریخ به گونه دیگری به ثبت رساندند. از این‌رو امروز دیگر خطی که در کتب منتشره در اوایل سقوط رژیم پهلوی دنبال می‌شد پی گرفته نمی‌شود، بلکه رسانه‌های غربی و نیروهای وابسته فرهنگی به آنها در داخل ایران، از دوران سلطه آمریکا بر ایران کلاً دفاع می‌کنند و بدین‌ترتیب عملکرد استعمارگر خارجی و استبداد داخلی (به عنوان ۲ پدیده که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند) موجه جلوه‌گر می‌شود. در اینجا صرفاً به یک نمونه از چگونگی بازسازی تشکیلات فرهنگی وابسته به غرب در داخل کشور اشاره می‌کنیم. تاج‌الملوک در جای دیگر کتاب خود می‌نویسد: «نوری‌زاده، یکی از این روزنامه‌نگارانی که در حال حاضر در لندن زندگی می‌کند.. به دخترتم (فرح دبیا) پیشنهاد کرد هزینه تأسیس چند روزنامه و مجله را در ایران بپردازد، زیرا بسیاری از روزنامه‌نگاران گروه رستاخیز و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان، پاکستانی شده و بیکار هستند.. فرح، نوری‌زده را به آدرسی در تهران حواله کرد و ما بزودی شاهد راهاندازی چند روزنامه و مجله بودیم که علناً با جمهوری اسلامی و حکومت روحانیون مخالفت می‌کردند»^(۱).

به طور کلی در ۲ دهه گذشته اهتمام به سرمایه‌گذاری در این زمینه را در مراکز مختلف داخلی و خارجی می‌توان شاهد بود. حتی آقای رفیع‌زاده در این کتاب معترف است که اشرف با پرداخت پول قابل توجهی به اوپسی، وی را واداشت تا در مصاحبه‌ای با مطبوعات غربی، مسؤولیت همه کشتار ها را شخصاً برعهده گیرد و رسماً اعلام دارد شاه از قتل عام تظاهر کنندگان و مخالفان بی‌خبر بوده و او بدون مشورت با شاه چنین تصمیماتی را اتخاذ می‌کرده است. به این ترتیب سیاست تبلیغاتی آمریکادرباره حکومت پهلوی باید به ۳ دوران کلاً متمایز از یکدیگر تقسیم کرد، زیرا آثاری که در هر یک از این مقاطع منتشر می‌شوند دارای ویژگی‌های متفاوتی‌اند: ۱- دوران سلطه کامل آمریکا بر ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۲- ایام اوج گیری نهضت ضداستبدادی و ضداستعماری ملت ایران که منجر به سقوط دولت وابسته شد ۳- مقطع بازسازی نیروهای وابسته فرهنگی به دنبال سقوط رژیم پهلوی

بدون شک اگر خاطرات رفیع‌زاده در مقطع سوم نگاشته می‌شد، اثری بود کلاً متفاوت از آنچه عرضه شده است و هرگز در آن، شاه مظهر همه پستی‌ها و زشتی‌ها و به عنوان دیکتاتور قرن عنوان نمی‌شد، زیرا با همه تلاش‌ها برای جداسازی حساب وی از آمریکا، در نهایت او با کودتای آمریکایی به قدرت بازگشته بود. نکته جالب‌تر در خاطرات نماینده ساواک در آمریکا، بر برخورد فرصت‌طلبانه وی با موقعیت ایجادشده است. به زعم او، حال که قرار است آمریکا تطهیر شود، چرا مولود آمریکا یعنی ساواک (که خود عضو پرچست‌های آن بوده) تطهیر نشود؟ لذا وی با استفاده از این فرصت چهره‌ای از ساواکی‌های برجسته ترسیم می‌کند که مضحک می‌نماید. رفیع‌زاده خاطراتی را از گفت‌وگوهای خود با رؤسای ساواک نقل می‌کند که طی آن اشخاصی چون «پاکروان»، «نصیری» و «مقدم» به صورت شخصیت‌های آزاداندیش ظاهر می‌شوند که نه‌تنه‌هیچ‌کدام با جنایت‌های شاه موافق نیستند، بلکه در جایگاه مدافعان سرسخت دموکراسی آمریکا، هر آن مترصدند تا از شرایطی که شاه آنها را گرفتار آن ساخته، رهایی یابند. همچنین نویسنده در حالی که معترف است حتی مکالمات تلفنی شاه با دخترش توسط مأموران ویژه شوند می‌شد، ادعا می‌کند در دوران رؤسای مختلف ساواک، از آمریکا با تهران تماس می‌گرفته و همچون یک مخالف جدی شاه با آنان گفت‌وگو می‌کرده است. البته معلوم نیست آقای رفیع‌زاده چه تصویری از خوانندگان کتاب‌های تاریخی و خاطرات دارد که درباره شخص خود با را به مراتب از این هم فراتر نهاده و ادعا می‌کند اصولاً انگیزه ورودش به ساواک، مبارزه با شاه و تلاش برای سرنگونی حکومت استبدادی پهلوی‌ها بوده است! درباره ماهیت آقای رفیع‌زاده و چگونگی ارتباط وی با پهلوی‌ها حتی بعد از سرنگونی آنها از قدرت، فریده دبیا می‌گوید: «شعبان

برگ‌هایی از پرونده یکی از بدنام‌ترین چهره‌های امنیتی پهلوی

رؤسای ساواک آزاداندیش و دموکرات!

گرفتن عمده شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور در لیست حقوق‌بگیران نماینده‌انگلیس در ایران بود. دستیابی آمریکایی‌ها به چنین منبع غنی اطلاعاتی از طریق بقایی، موجب شد تمام شبکه نفوذ انگلیس در ایران برای آنان شناسایی شود. جالب است بدانیم بخشی از این اسناد از طریق بقایی در اختیار مصدق قرار گرفت و همین اسناد در دادگاه لاهه ثابت کرد انگلیسی‌ها در همه‌امور ایران به صورت کاملاً غیرقانونی دخالت می‌کرده‌اند.

بنابراین نقش بقایی در برقراری ارتباط نزدیک با همه جریاناتی که با تفکرات و گرایش‌های مختلف، خواهان پایان دادن به حاکمیت استعماری انگلیس در ایران بودند، بسیار روشن است اما زمانی که بعد از پیروزی ملت ایران بر انگلیس و خلع‌ید شرکت نفت ایران و انگلیس، نیاز شدید به وحدت بود تا ایران توسط ایرانی اداره شود، نقش رموز بقایی آغاز شد و توانست به کمک شبکه اطلاعاتی آمریکا اختلافات داخلی را تشدید و به خصومت تبدیل کند و زمینه پیداه شدن کودتای آمریکایی و در نهایت جابه‌جایی قدرت مسلط بر ایران را فراهم آورد. «علی شهبازی» در خاطرات خود از دوران بازداشت بقایی توسط دولت مصدق می‌نویسد: «در همین حال دیدم دکتر بقایی که به وسیله ۴ سرباز و یک افسر مراقبت می‌شود به طرف پادگان می‌رود. گروهبان مرتضوی که یک درجه‌دار با احساس و وطن‌پرست بود به قول سرهنگ کسرابی خفه شد و این‌بار یک چهارپای زبر پای خود قرار داد و با صدای بلند شعار داد: زنده‌باد دکتر بقایی، مرد شماره یک مخالف دول‌ا برخلاف سرهنگ کسرابی، دکتر بقایی ایستاد و وقتی که شعار دادن گروهبان مرتضوی تمام شد، با صدای بلند گفت: سر کار بگو زنده‌باد شاه، مرگ بر مصدق خان، نوکر انگلیسی‌ها»^(۲)

بنابراین بقایی حتی در بازداشت نیز تحرکات خود را به منظور بازگرداندن عامل بیگانه یعنی شاه به کشور متوقف نکرده بود و به تحریک نیروهای ارتشی برای کودتا می‌پرداخت. با وجود چنین کارکردهایی، بعد از کودتا چهره بقایی به عنوان یک چهره منتقد حفظ شد اما ارتباطات وی با سیا و ساواک از طریق عناصر بلندپایه حزب زحمتکشان تکنیکالی‌تر شد و گسترش یافت. به عبارت دیگر، منصور رفیع‌زاده از طرف حزب به آمریکا اعزام شد تا به سهولت با سیا کار کند اما قبل از اینکه تبعه ایران باشم نوکر ملکه انگلستان هستم! اما از امثال این آدم‌ها که جاسوس و نوکر آشکار با پنهان انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها بودند دور و برمان زیاد داشتیم. گاهی به محمدرضا می‌گفتم چرا با علم به اینکه می‌دانی این پدرسوخته‌ها نوکر اجنبی هستند آنها را اخراج نمی‌کنی؟ محمدرضا می‌گفت: چه فایده‌ای بر اخراج آنها مترتب است؟ اینها را اخراج کنیم ده‌ها نفر دیگر را اطرافم قرار می‌دهند. بگذارید اینها باشند تا خیال دولت‌های خارجی از حسن انجام امور در ایران راحت باشد!

مشخص می‌کند و الا درباره عملکرد مظفر بقایی و گروهش سخن بسیار است؛ هر چند تاکنون از آن غفلت شده و باید به منظور شفاف‌سازی تاریخ معاصر عنایت بیشتری به این حزب پر رمز و راز مبذول داشت. در آخرین فراز این مقال توجه به این نکته خالی از لطف نیست که رفیع‌زاده به دلایل مختلف به هر وادی سرک می‌کشیده است. وی در میان خاطره‌نویسان تنها کسی است که وارد حصار اهنتی تشکیلات اشرف می‌شود و اشاره‌ای به فعالیت‌های گسترده این هم‌زاد محمدرضا دارد. انجام عملیات تروریستی حتی در خارج کشور برای حذف مخالفان و به‌طور مستقل از ساواک، مقوله‌ای است که رفیع‌زاده از آن مطلع بوده اما صرفاً به یک مورد آن اشاره می‌کند، زیرا وی به دلیل برخورداری از عنایت «پژوه» اشرف، نخواست‌ه است بیش از این درباره عملکرد این زن در داخل و خارج کشور سخن بگوید. به عبارت دیگر، رفیع‌زاده یعنی مطلع‌ترین فرد از عملکرد شبکه آهنی اشرف، ترجیح داده همچنان از این اطلاعات خود استفاده مادی ببرد کما اینکه به نظر می‌رسد وی برای نگارش این کتاب نیز مبلغ قابل توجهی از سازمانی که به آن تعلق دارد، دریافت کرده باشد اما سرانجام عمری خیانت از طریق حزب زحمتکشان، ساواک و در خدمت سرویس اطلاعاتی بیگانه بودن می‌تواند درس گران‌سنگی باشد که باید توسط تاریخ‌پژوهان بخوبی تبیین شود. با قتل مشکوک منصور رفیع‌زاده در واقع اطلاعات فراوانی دفن شد و این پاداش شاید تنها راه بستن چنین پرونده پر حجمی از سوی سرویس‌های جاسوسی بوده باشد.

پی‌نوشت

- تاج‌الملوک، ملکه پهلوی؛ خاطرات تاج‌الملوک، تهران، به‌آفرین، ۱۳۸۰، ص ۳۸۲
- همان، ص ۳۸۸
- فریده دبیا، دخترتم فرح، ترجمه و تصحیح الهه رئیس‌فیروز، تهران، به‌آفرین، ۱۳۹۰، ص ۴۷۶-۴۷۵
- همان، ص ۵۰۶
- احمدعلی مسعودانصاری، پس از سقوط، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۲
- علی شهبازی، محافظ شاه (خاطرات علی شهبازی)، تهران، اهل قلم، ۱۳۷۷، ص ۶۰

منبع: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران

شنبه ۱۴ دیبهبشت ۱۳۹۷

روزنه

غفلت از ظرفیت‌های گردشگری ایران

محسن پورعرب: در دهه‌های گذشته، صنعت گردشگری رشد باثباتی را تجربه کرده و با افزایش تنوع، به یکی از بخش‌های اقتصادی در جهان که سریع‌ترین رشد را داشته، تبدیل شده است. امروز گردشگری یکی از بخش‌های اصلی در تجارت بین‌الملل و یکی از منابع اصلی ایجاد ثروت در بسیاری از کشورهای درحال توسعه است. توریسم از سوی سازمان ملل به‌عنوان یکی از ۱۰ بخش تأثیرگذار بر اقتصاد سبز شناخته‌شده و به‌عنوان یکی از بخش‌های دارای پتانسیل ایجاد «مشارکت معنادر در زمینه توسعه پایدار» و دارای ارتباط با سایر بخش‌ها و توانایی ایجاد شغل و فرصت‌های تجاری مناسب شناخته شده است. این صنعت با ارزشی بالغ بر ۷ تریلیون دلار برای اقتصاد جهان، یکی از درآمدزاترین و پول‌سازترین صنایع جهان به شمار می‌رود و بسیاری از کشورهایی که اقتصادی وابسته به صنعت نفت و مشتقات آن دارند نیز برای رهایی از اقتصاد تک‌محصولی به سمت‌وسوی این صنعت حرکت کرده‌اند تا با این اقدام اقتصاد خود را و وابستگی به صنعت نفت نجات دهند.

■ **جایگاه‌صنعت گردشگری**

در حال حاضر صنعت توریسم توانسته است یک‌دهم میزبان کل تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص دهد که این میزان رقم بسیار چشمگیری به شمار می‌رود. با توجه به اینکه صنعت گردشگری باعث رشد صنایع مرتبط می‌شود، می‌توان گفت ایران این‌ها، توریلرها، آژانس‌های خودروهای کرایه‌ای، کشتی‌ها، آژانس‌های مسافرتی، هتل‌ها، مراکز اقامتی، رستوران‌ها، مراکز خرید و مراکز تفریحی، سیاحتی و ورزشی به‌طور مستقیم از رونق این صنعت بهره می‌برند. علاوه بر این موارد برخی از صنایع نیز به‌طور غیرمستقیم با رونق گردشگری رشد می‌یابند و می‌توانند با ازبایی تقاضای گردشگران بستر ساز شکل‌گیری و رشد صنایع پایین‌دستی شوند. در حال حاضر کشورهای بسیاری به سمت صنعت گردشگری سوق یافته‌اند و با این روش تحولی عظیم را در اقتصاد کشور خود ایجاد کرده‌اند. بر اساس گزارش‌های سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) به‌رغم شوک‌هایی که هنگاه گریبانگیر صنعت گردشگری جهانی می‌شود، رشد این صنعت هیچ‌گاه متوقف نشده و این امر خود بیانگر قدرت و نقش کلیدی صنعت گردشگری در جهان است.

■ **موفق‌ترین‌ها در صنعت گردشگری**

با وجود رشد قابل توجه صنعت گردشگری در جهان، برخی شهرها و کشورها با فاصله زیادی از یکدیگر، در این عرصه گوی رقابت را از سایرین ربوده‌اند. در زمره موفق‌ترین‌های صنعت گردشگری قرار گرفته‌اند بر اساس اطلاعات مندرج در وب‌سایت‌های بین‌المللی فعال در حوزه صنعت گردشگری، لندن «انگلیس»، بانکوک «تایلند»، پاریس «فرانسه»، دوبی «امارات»، استانبول «ترکیه»، نیویورک «امریکا»، کوالالامپور «مالزی»، سن‌تول «کره‌جنوبی» و هنگ‌کنگ پیش‌تازان این صنعت بوده‌اند. با توجه به گزارش منتشرشده از سوی سازمان تجارت گردشگری درباره روند گردشگری تا سال ۲۰۳۰ با این وضعیت انتظار می‌رود تعداد ورود گردشگران بین‌المللی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰ سالتانه ۲/۳ درصد رشد کند و تعداد گردشگران در جهان به ۸/۱ میلیارد نفر برسد.

■ **وعده بهبود وضعیت اشتغال با توریسم**

با توجه به ظرفیت بسیار بالای کشورمان در حوزه گردشگری و برخورداری از ۴ فصل و حتی ویژگی‌های «توریسم‌دروانی» صنعت گردشگری می‌تواند رونق چشمگیری داشته باشد و بدین ترتیب، ایران به مقصد نخست گردشگری غرب آسیا تبدیل شود. ظرفیتی که نسبت تاکنون برای استفاده از آن و کمک به اقتصاد استفاده نشده است. مرور مناظرهای انتخاباتی ریاست‌جمهوری یادآور خوبی برای اهمیت و جایگاه این صنعت در کشور است. مرور اظهارات حسن روحانی در مناظره‌های انتخاباتی دوره دوازدهم- و حتی دوره یازدهم- نشان می‌دهد این صنعت جاذبه‌ی می‌تواند به یک معضل بیکاری کمک کند. وی زمان انتخابات ۹۲ و ۴ده میلیون شغل از طریق صنعت گردشگری را داده بوده جایی که وی در اظهاراتی گفت: «تگر تنها ۱۰ میلیون گردشگر وارد کشور شود بیش از ۱۳/۳ میلیارد دلار درآمد آرزوی ۴ میلیون اشتغال درست می‌شود، یعنی با یک حرکت صیح در یک مسأله اقتصادی و اجتماعی می‌توانیم بیکاری را حل کنیم». اظهاراتی که البته در حد وعده ماند و تاکنون محقق نشده است!

■ **جایگاه ایران در صنعت گردشگری**

طبق گزارش‌های سازمان جهانی گردشگری، ایران در حوزه جاذبه‌های باستانی و تاریخی دارای رتبه دهم و در زمینه جاذبه‌های طبیعی جایز رتبه پنجم در جهان است، بنابراین با توجه به ضرورت جدا شدن کشور از اقتصاد تک‌محصولی اگر سرمایه‌گذاری مناسبی در این حوزه انجام شود، می‌توان شاهد رشد چشمگیر صنعت گردشگری و در پی آن رشد اقتصادی کشور بود. طبق آمار ارائه‌شده توسط مجمع جهانی اقتصاد درباره وضعیت گردشگری ۱۳۶ کشور جهان، ایران از لحاظ قدرت رقابت در جهان در عرصه گردشگری رتبه ۹۴ و در زمینه آمادگی فضای اقتصادی کشور حائز رتبه ۷۹ است. در پایان باید گفت عمل به وعده‌ها و فراهم کردن شرایط برای سرمایه‌گذاران در صنعت گردشگری کمک قابل‌توجهی به بهبود وضعیت این صنعت در کشور می‌کند.

منبع: بصیرت